

۲۵ - ودی بن جمّاز Uadei

بامارت رسید او نیز وفات نمود و (۱)

۲۶ - طفیل بن منصور Tafeil

بن جمّاز مستقلاً حکومت یافت مقرّ الشهبانی در (التعریف) راجع به طفیل شرحی نوشته و معاصر با او بوده است طفیل تا سال ۷۵۱ حکومت داشت (۲)

۲۷ - سیف Seif

سیف نام از اولاد جمّاز را بحکومت مدینه گماشت پس از سیف (۳)

۲۸ - فضل Feazi

فضل نامی که از احفاد جمّاز بوده بحکومت رسید و بعد از او (۴)

۲۹ - ماع Manch

از همان خاندان حکومت یافت سپس (۵)

۳۰ - جمّاز بن منصور Djamaz

حاکم مدینه شد وی در ایام الملك الناصر حسن بن الناصر محمد بن قلاوون بدست فداویه کشته شد پس از وی (۶)

۳۱ - عطیه بن منصور بن جمّاز Atteieh

مدت دو سال حکومت نموده معزول شد و (۷)

۳۲ - هبة بن جمّاز Hebat-ibn-Djamaz

حاکم مدینه شد هبة نیز معزول گشته مجدد عطیه حاکم گشت پس از مرگ عطیه و هبة (۸)

۳۳ - جمّاز بن هبة بن جمّاز Djamaz-ebn-Hebeh

حاکم شد سپس معزول شده (۹)

۳۴ - نصیر بن جمّاز Nassir-ebn-Djamaz

حاکم مدینه وی نیز کشته شد بعد جمّاز بن هبة بر مدینه هجوم آورده بر حکومت آنجا دست یافت ولی سلطان ویرا عزل نمود (۱۰)

۳۴ - ثابت بن نَعیر Sabet-ebn-Naeir

بِحکومت مدینه گماشت بطوریکه در مقدمه این فصل ذکر نمودیم قلقشندی مینویسد که اکنون (۷۹۹) ثابت بن نعیر در مدینه طیبه حکومت مینماید (۱)

امرای قزوین - طایفه جعفریه

شرفشاه جعفری قزوینی Sharafshah

یکی از امرای مشهور شیعه جعفری در قزوین شرفشاه بن محمد بن احمد بن حسن بن زید بن عبد الله بن قاسم بن اسحق بن عبد الله بن جعفر طیار است که احادیث شیعه را از ابی الحسن محمد بن عمرو بن زاذان روایت مینماید صاحب کتاب التدوین مینویسد شرفشاه در قزوین دارای عظمت و جلال بی اندازه و نفوذ و قدرت نامی است که بطور موروثی پدر بر پدر در این خاندان باقی میباشد و کلیه املاک و مستغلات مهمه قزوین ملک شرفشاه و یا اتباع اوست مصرف روزانه آشپزخانه وی بالغ بر ششصد من نان و یکصد و بیست من گوشت میباشد و سالانه عواید املاک شرفشاه بر ۳۶۶۰۰۰ دینار سرخ بالغ میگردد امارت این خاندان به شرفشاه ختم میشود مشار الیه علماء و ادباء را نوازش بسیار میکرد و قصاید زیادی در مدح و مرثیه وی گفته اند ، فوت شرفشاه بر طبق مندرجات کتاب هدیه الخلائن در سال ۴۸۴ هجری اتفاق افتاد (۲)

طایفه عجلیه در قزوین

صاحب هدیه الخلائن مینویسد طایفه دیگری که مانند جعفریه در قزوین امارت داشتند خانواده عجلیه است که ابو الحسین عاصم بن حسین بن محمد بن احمد بن ابی حجر عجلی نیز از آن خاندان میباشد صاحب التدوین مشار الیه را از بزرگان امراء دانشمند و با اقتدار قزوین محسوب داشته است و دیگر عباس بن محمد بن سنان عجلی است که از بزرگان این طایفه و مدت زمانی در قزوین امارت نمود در کتاب التدوین مذکور است عباس عجلی وصیت نمود در یکسال هزار حج بیت الله

(۱) صبح الاعشی ۳۰۲ ج ۴

(۲) ضیافه الاخوان و هدیه الخلائن در شرح حالات روات قزوین و تاریخ قصبات ان تالیف رضی الدین محمد قزوینی مؤلف کتاب لسان الخواص که از رجال قرن یازدهم هجری است و دران کتاب از تاریخ قزوین تالیف خلیل بن عبدالله که در سنه ۴۴۶ وفات نموده و از کتاب التدوین تالیف رافعی نقل مینماید و نسخه ان خطی است و ظاهراً منحصر است بکتابخانه شیخ علی کاشف الغطاء در نجف میباشد

برای وی بنمایند و بر طبق وصیت او رفتار گردید (این قضیه تا آنموقع در اسلام سابقه نداشته است)
 ابو عبد الله محمد بن عمران مرزبانی در کتاب معجم الشعراء مینویسد که ابراهیم بن نصر الغنوی اعرابی در ایام امارت عباس بقزوین آمده و قصیده در مدح وی سرود که این بیت از آن قصیده است

عَبَّاسٌ دُنْيَا جَمَّةٌ وَ دِينٌ كَلْتًا يَدِيهِ فِي النَّدْيِ يَمِينٌ

وفات عباس در سنه ۲۵۱ واقع شد دیگر از امرای نامی عجلی ابو القاسم اسماعیل بن احمد بن فضل بن محمد بن سنان بن حلیم عجلی است که در کتاب التذوین به فضل و دانشمندی و قدرت و عظمت مذکور گردیده و در نزد خلفاء و وزراء معاصر اهمیت شایان داشته است گویند پدرش احمد بن فضل دارای املاک بسیار بوده است موازی ۲۰ هزار قریه در نواحی زنجبان و ابهر و دیلم تا اطراف ری بعد از وفات احمد برای ابو القاسم باقی ماند خود او نیز مقداری بر آن افزود (۱)

خمار تاش Khomar tash

دیگر از امرای نامی متمول قزوین در ایام اخیر خمار تاش بن عبد الله ابو منصور عماری است که بر غبت در خیرات و مبرات اشتهار تام دارد صاحب کتاب التذوین مینویسد « خمار تاش از امرای نامی پرهیز کار میباشد آثار خیریه از وی مانند مسجد جامع جدید و قطعات خمار تاشیه که خود احداث نموده و مدرسه و خانقاه در قزوین باقی است و همچنین در مکه و منی آثار و ابنیه خیریه این امیر دیده میشود » مؤلف فوق در کتاب التذوین ضمن شرح قنوات شهر قزوین چنین مینگارد : (یکی از قنات های شهر قزوین قنات خمار تاش است که امیر پرهیز کار خمار تاش بن عبد الله در ایام زندگانی خود احداث نمود و بیش از دوازده هزار دینار بمصرف آن رسانید و قسمتی از محلات شهر بواسطه آن مشروب میشود) صاحب کتاب ضیافة الاخوان مینگارد که مسجد و قنات تا این تاریخ (۱۰۹۲) هجری باقی است در صورتیکه تاریخ بنای مسجد سال پانصد هجری و اتمام آن در ۵۰۹ بوده است و صورت مفصلی از موقوفات و خیرات جاریه امیر خمار تاش در سمت دیوار غربی مسجد منقوش گردیده که از آنجمله شرایط و ترتیب تقسیم قنات خمار تاشیه

(۱) ضیافة الاخوان خطی (۲) از کتاب ضیافة الاخوان مرقوم

بطریق ذیل میباشد :

« يقول العبد الضعيف المنتظر لعفو ربه الله خمار تاش بن عبد الله بائى القناة الخمار تاشيه جعلته قسمة بين اهل قزوین فو الله لاهل طريق ابهر يأخذون حظهم من رأس سكة شريح و سدسه لاهل رستق القطر يأخذون شربهم من رأس ديوكيه و ربعه لاهل مدينة العتيقه يأخذون نصيبهم من موضعين من رأس سكة الاكافان من عند المسجد و من باب الجامع العتيق الى رستق الصاغة و ما فضل عندهم لاهل طريق ارواق و ثلثه لاهل طريق كرى و الصامغان و سكة الحريريه و اهل طريق المقابر يأخذون حظهم من باب الجامع العتيق الى رستق الصاغة فلا يحل لاحد تغيير هذه الجملة فمن فعل ذلك فعليه لعنة الله و الملائكة و الناس اجمعين فرحم الله من دعاه بالمغفرة »

در پاره از تواریخ مذکور است که خمار تاش در جنب مسجد الحرام برای حجاج قزوین عمرانی بنا نمود و در صدد بر آمد که پنجره از آن عمارت به مسجد الحرام باز نماید امراء و خازنان بیت باین مطلب حاضر نمیشدند خمار تاش برای انجام این منظور مبلغی که امروزه معادل چهار هزار تومان است به اشخاص ذی مدخل هدیه نمود و پنجره را باز کرد که آن کنون نیز باقی است خمار تاش با اوصاف مزبوره از جمله رواه حدیث بوده و از جعفر بن بطور رومی بوسیله ابی شاکر احمد بن علی بن محمد احادیث مهمه روایت مینماید

صاحب کتاب التدوین راجع بروایت امیر خمار تاش چنین مینگارد :

قرات علی الشیخ علی بن عبد الله بن بابویه اخبرنا الامیر الزاهد ابو منصور خمار تاش بن عبد الله الرومی فیما اجاز لنا بقزوین باسناده الی جعفر بن بطور الرومی قال صاحب رسول الله قال رسول الله من مشی الی جرجان فکان مشی علی ارض الجنة و تستغفر له الملائكة و تسبح له اعضائه (حدیث فوق در کتاب هدیه الخلال نیز مذکور است)

رافع بن حسین بن مسیب اقطع

Rafei ebn Hossein

در نواحی بغداد امارت داشت شعر نیکو میگفت مادرش علویّه دانشمندی بوده است در مسائل رزمی و غیره آراء نیکو اظهار مینمود رافع بر نواحی تکریت و قادسیّه و بوازیرج و سنّ امارت مینمود شخصاً مسک و بخیل بوده است وفاتش در سنه ۲۷۴

واقع شد بیت ذیل از اشعار اوست

سَاتِفِقُ رِيْعَانَ الشَّيْبَةِ آيْفًا عَلِي طَلَبٍ لِعَلْيَاءِ اَوْ طَلَبِ الْاَجْرِ (۱)

طاشتکین امیر کبیر Tashtkin

مجدالدین ابو سعد مستجدی والی حله زیدیه و شوشتر و خوزستان از امرای شجاع خوش سیرت مشهور شیعه است در سنه ۳۰۲ در شوشتر وفات نمود و حسب الوصیه جسدش را به نجف حمل نموده در آنجا دفن کردند (۲)

پاره از امراء بنی العباس

عده از امراء و نویسندگان شیعه که در آن عصر میزیسته اند از آن جمله

ابو عمران موسی بن عبدالملک اصفهانی

moussa

صاحب دیوان و نویسنده مشهور از رؤسا و دانشمندان عصر خویش بوده و چند تن از خلفاء را خدمت نموده است در ایام متوکل دفاتر مالی بعهده وی واگذار شده بود منشآت مخصوصی داشته است ابن بابویه قمی در کتاب عیون اخبار الرضا تشیع ویرا ذکر نموده مشهور ترین اشعار او در کتاب نسمة السحر ضمن ترجمه نیمیم بن معزین بادیس مذکور است ابو عمران در سنه ۲۴۶ وفات نمود (۳)

ابراهیم بن عباس بن محمد بن صول تکین

Ebrahim-ibn-abbass

از شعراء و نویسندگان نامی عصر خویش بوده است رشیدالدین بن شهر آشوب در معالم العلماء ویرا ذکر نموده از شعرای شیعه و مادحین اهل بیت شمرده است ابن خلکان از کتاب الورقه در باره ابراهیم چنین نقل میکند مشارالیه بخدمت فضل بن سهل رسید و با کمک وی متصدی امور دیوانی شد تا آنکه در سنه ۲۴۳ موقع تصدی دیوان مالیات (سر من رأی) در همانجا وفات نمود ابراهیم شعر نیکو میگفت و این دو بیت از وی مشهور است

وَلَرُبَّ نَازِلَةٍ يَضِيقُ بِهَا الْفَتَى ذَرْعًا وَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْهَا الْمَخْرَجُ

(۱) فوات الوفيات کتبی ۲۰۶ ج ۱ و طبقات سبکی ۲۰۶ ج ۲ (۲) فوات الوفيات ۲۴۹ ج ۱

(۳) ابن خلکان ۲۶۷ و نسمة السحر فمن تشیع و شعر خطی است

كَمَلْتُ فَلَمَّا اسْتَحْكَمْتُ حَلَقَاتُهَا فَرُجْتُ وَ كُنْتُ أَظْنُهَا لَا تُفْرَجُ

حافظ حمزه بن یوسف سهمی در تاریخ جرجان ویرا جرجانی دانسته و اهالی آن نقطه جرجان را جول میخوانند (۱)

ابن الحجاج
Ebnil Hadjadj

ابو عبد الله حسین بن احمد بن محمد معروف بابن حجاج شاعر مشهور بوده است و فاش در نیل بتاریخ ۲۲ جمادی الثانی ۳۹۱ واقع شد حسب الوصیه جنازه اش را در جوار مرقد امام موسی کاظم دفن نموده روی قبرش آیه (و کلبهم باسط ذراعیه بالوصید) را نگاشته اند ابن حجاج در فن شعر و شاعری مسلک مخصوصی داشته و با وجود سلامت طبع اشعارش خالی از تکلف نیست در محبت و تمسک بولاء اهل بیت مبالغه مینمود اشعار بسیاری در آن موضوع گفته است چندی در بغداد حکومت نمود و پس از وی ابو سعید اصطخری فقیه شافعی بآن سمت معین شد

دیوان اشعار ابن حجاج ده مجلد و بیشتر در هزلیات میباشد بدیع اسطرلابی ابو القاسم هبة الله بن حسین بغدادی که در سال ۵۳۴ وفات نمود دیوان اشعار ویرا بیکصد و چهل باب مرتب و منتخب نموده است که هر بابی از آن مخصوص یکی از فنون اشعار میباشد این نسخه موسوم به درة التاج فی شعر ابن الحجاج است سید رضی نیز منتخباتی از اشعار ابن حجاج ترتیب داده و بالحسن فی اشعار الحسین موسوم است نسخه از آن در کتابخانه حضرت رضا در خراسان موجود میباشد و قریب شش هزار بیت از آن منتخبات در کتابخانه آل سید عیسی عطار در بغداد باقی است و در اول آن چنین نگاشته شده است : یطلب مشروباً بالخبز و الملح یا غلامی یأدر به الی السعید السلامی : در پشت مجموعه سید رضی این دو بیت از منتخبات اشعار ابن حجاج مذکور است

أَتَعْرِفُ شِعْرِي إِلَى مَنْ نُصِي فَأَضْحِي عَلَى مُلْكِهِ يَحْتَوِي :
إِلَى الْبَدْرِ حُسْنًا إِلَى سَيْدِي الشَّرِيفِ أَبِي الْعَسَنِ الْمُوسَوِي (۲)

ابن زباده
Ebn Zobadeh

ابو طالب یحیی بن سعید بن هبة الله بن علی بن قزغلی بن زباده شیبانی اصلاً

اهل واسط بوده و در ۵۲۲ هجری در بغداد متولد گردید و بتاریخ ۵۹۴ وفات نمود در جنب روضه حضرت امام موسی کاظم مدفون شد (زباده بفتح زاء مشتق از زباد عطری است که زنان استعمال میکنند) ابن زباده از نویسندگان مشهور در فنون کتابت و انشاء و حساب و فقه و کلام و اصول تبع و مهارت داشت شعر نیکو میگفت از ابتدای جوانی مصدر خدمات مهمه دولتی بوده است چندی در بصره و حله و واسط عهده دار دفتر مالیاتی بوده است سپس بسمت حاجبی و رسیدگی بمظالم تعیین شد بعد بریاست دارالانشاء و دیوان مقاطعات منصوب گردید شخصاً نیک سیرت و خوش خوبوده است در باره اخلاق حمیده وی مطالب بسیاری نقل نموده اند ابن خلکان وزارت ابن زباده را برای المستنجد عباسی تکذیب کرده و ابن طقطقی در آداب سلطانیه ذکر می‌کند از وزارت وی نشوده است (۱)

۲ - از جمله امراء در مصر و شام

امیر سیف‌الدین حسین بن ابی‌الهیجاء

Amir Seyfed-Din

داماد صالح بن رزیک امیر سیف‌الدین اصلاً کرد بوده است صالح بن رزیک بن صالح همینکه بوزارت نایل شد سیف‌الدین را بملازمت و معاونت خویش انتخاب کرد پس از مرگ صالح پسرش رزیک بن صالح بوزارت رسید و مانند پدر در کلیه کارها از حسین استمداد مینمود در آنوقت مشاور امارت قوص را عهده دار بود رزیک در صدد عزل وی بر آمد و از حسین در اینموضوع مشورت کرد حسین بانجام این منظور موافقت نکرد ولی رزیک اعتنا به نصیحت وی ننموده امیر بن رفعه را بجای شاور مأمور ساخت شاور بر رزیک خروج نموده و در سمت واحات مصر عازم حرکت و طغیان گردید رزیک پس از شنیدن خبر شورش شور در صدد تهیه کار بر آمد بالاخره بعنوان عزیمت برای زیارت مدینه طیبه و بذل احسان در باره اهالی اموال و امتعه فراوانی از قاهره بیرون فرستاد و نزد اشخاص امین و دیعت نهاد در این اثنا خبر پیشرفت

مشاور منتشر گردید تا اینکه بنزدیکی قاهره رسید اول کسیکه جان خود را بدر برد سیف الدین حسین بود بنی زریک که پیش از سه هزار سوار بودند مهیای دفاع شدند اما همینکه ابن زریک از حال حسین جويا شده و از هزیمت او مسبوق گردید بکلی مأیوس شد زیرا حسین شخص شجاعی بوده و در جنگ ها بر شادت و مهارت تام اشتهار داشت بالاخره ابن زریک بخارج اطفح فرار کرد و بدست ابن نبیض سر کرده اعراب گرفتار شده نزد مشاور اعزام گردید و بامر وی در حبس افتاده

بعد از چند سال وفات نموده است خوچه حسین در مصر مشهور میباشد مقریزی در باب الخوخ ویرا ذکر نموده است و خوچه بمعنای دریچه و پنجره است (۱)

محمد بن احمد بن محمد

Mohamed-ibn-ahmed

وزیر نحوی لغوی است بنا بر روایت یاقوت روز جمعه پنجم جمادی الاخر ۴۳۳ هـ وفات نمود ولی در کشف الظنون بمناسبت ذکر تنقیح البلاغه وفات وی را در ۴۲۳ مینویسد شیخ منتجب الدین بن بابویه در فهرس علماء امامیه که معاصر شیخ ابو جعفر و متأخرین از وی بودند شرح حال محمد بن احمد را چنین مینویسد: محمد بن احمد بن محمد ابو سعید عمیدی بنا بر روایت یاقوت شخصی ادیب نحوی لغوی بوده است چندی در مصر اقامت داشت و متصدی دیوان انشاء بود مدتی معزول شده مجدد بهمان سمت منصوب گردید کتاب تنقیح البلاغه در عروض و قوافی از تألیفات اوست (۲)

وداعی

Vedaei

شیخ علاء الدین علی بن مظفر علی بن عمر بن زید کندی مشهور بوداعی شامی شاعر مشهور در سنه ۶۲۰ متولد شده و در سال ۷۱۶ وفات نمود در نسمة السحر

و فوات الوفيات شرح حال وی مفصلاً ذکر شده است کتبی و حافظ ذهبی تشیع و داعی را تصریح نموده اند در نسمة السحر مذکور است وداعی نویسنده ماهر و ادیب سخنوری بوده است ابن نباته در شعر از وی استفاده کرده است ابن حجة در کتاب کشف اللثام عن التوریه و الاستخدام از نسمة السحر نقل می کند که فضایل وداعی بایستی در چندین مجلد ذکر شود بالاخره تاریخ وفات وی را از تذکره حافظ ذهبی نقل مینمایم کتاب مشهور تذکره هندیه مشتمل بر پنجاه مجلد راجع بفنون و علوم مختلفه از تألیفات وداعی است

ابن شاکر راجع بوداعی مذکور چنین می نویسد: نویسنده و ادیب و محدث مشهور علاء الدین کندی معروف بوداعی در سنه ۶۴۰ متولد شده و در سنه ۷۱۶ وفات نمود قرائت قرآن سبعة قران را نزد قاسم اندلسی تلاوت نمود در خدمت خشوعی صدر بکری و عثمان بن خطیب قران تلمذ نمود در عربیت مطالعات بسیار نمود و اشعار عرب را حفظ کرد چندی در دمشق اقامت داشت تذکره هندیه را در پنجاه مجلد بخط خویش تألیف و تحریر نمود کتاب مزبور در علوم و فنون بسیاری گفتگو میکند

چندی متصدی دیوان جامع اموی و مشیخه نفیسیته بوده است و از مذهب شیعه تبعیت مینمود تا موقع مرگ کیسوان سفیدی برای خود گذارده بود و در باره کیسوان خویش میگوید:

یا عائباً منی بقاء ذوابتی

هملاً فقد افرطت فی تمیبه

قد واصلتني في زمان شبیته

فعلام اقطعها زمان مشیبه

صلاح الدین صفدی شرح حال علاء الدین را با ذکر تشیع وی و تذکره هندیه مفصلاً نگاشته و اشعاری که وداعی در مرثیه حضرت سیدالشهداء گفته است نقل مینماید از آن جمله :

عجباً لمن قتل الحسين و أهله

حرى الجوانح يوم عاشوراء

أعطاهم الدنيا أبوه و جدّه

وعلیه قد تجلوا بشربة ماء (۱)

۳ - امراء دولت عثمانی در بعلبک و جبل عامل

۱ - خاندان حرفوش در بعلبک

بستانی در دائرة المعارف مینویسد: «خاندان حرفوش از امراء شیعه و در بلاد بعلبک اقامت دارند قدرت و قوت این خاندان در بلاد مزبور فوق العاده و بی اندازه است بحدی که از قدرت خویش سوء استفاده نموده دست به تعدی و اجحاف بر اهالی باز نموده اند و کار بجائی رسید که حکومت مرکزی از حرکات آنها خشمگین شده حکم به تبعید و اخراج آنان از نواحی بعلبک نمود و رسماً از استخدام خانواده حرفوش جلوگیری گردد در اثر این وقایع خاندان مذکور رو با انحطاط گذارده و نزدیک بود بکلی منقرض گردد امیر سلیمان و امیرسنجر از مشاهیر رجال متأخر این خاندان میباشند.»

فاضل معاصر عیسی اسکندر المعلوف مقاله در مجله العرفان منطبعه صیدا راجع بحالات این خاندان نگاشته که اینک ذیلاً خلاصه آنرا مینگاریم

نسبت خاندان حرفوش به خزاعه بن لحي بن عمرو بن عامر بن قبة بن الیاس بن مضر منتهی میشود و بعقیده بعضی آنها از خاندان قحطان میباشند سابقاً در اطراف مکه اقامت داشته و از زمان قریش تولیت خانه کعبه با آنها بوده است همینکه تولیت مزبور بابی غبشانه رسیده مشارالیه منصب مزبور را از دست داد و (این قضیه در تواریخ مربوطه مشهور است) خاندان وی باطراف متفرق گشتند باین سبب بنام خزاعه (از کلمه خزاع بمعنای پراکنده شدن) مشهور شدند قسمتی از آنها در اطراف بغداد سکونت دارند و بنام خزاعه یا خزاعل شیعه معروفند گویند یکی از اجداد این طایفه در بعلبک بنام حرفش یا حرفوش موسوم بوده و لذا این خاندان را حرفوش می نامند

تپه های قریه حرفش سمت مشرق بعلبک بفاصله یکساعت و نیم مسافت تا آنجا هنوز باقی و شاید محل اقامت حرفش سابق الذکر بوده است

علاء الدین Alaed-Din

اول کسیکه از این خاندان در تاریخ نام برده شده علاء الدین حرفوشی است که در دوره ماوک چرکس بتاریخ ۷۹۲ هجری امیر طبل خانه (از مناصب قشونی آنموقع بوده است)

امیر علی بن موسی Amir Ali

اولین حاکم بعلبک از خاندان حرفوش امیر علی بن موسی حرفوشی است که سر سلسله آنها محسوب میشود تاریخ امارت این خاندان از سنه ۱۰۰۱ شروع گردیده و در سال ۱۲۸۲ خاتمه مییابد امرای حرفوش از طرف دولت عثمانی در ممالک شام و صیدا حکومت داشته‌اند در آن نقاط آبادیهای بسیاری بنا نمودند مخصوصاً قرای بعلبک و قصبات بقاعیه را تعمیر و آباد نمودند و عدّه زیادی از اکراد و اعراب کوچ نشین را اهلی ساخته‌اند و برای ملازمت خود استخدام کردند طوایف دیگر شیعه نیز از جبل عامل و لبنان بسمت آنها شتافته مورد اکرام و پذیرائی شدند شعراء و ادباء در مدح امراء حرفوش قصاید و اشعار فراوان سرانیده و جوایز هنگفت دریافت نمودند خاندان مزبور واقعاً در ایالات صیدا و طرابلس امارت مستقل داشتند و در اواخر ایام باندازه بر اهالی تعدی و اجحاف کردند که در ثلث اول قرن نوزدهم میلادی ابراهیم پاشای مصری و در اوایل نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی دولت عثمانی کاملاً از تعدیات آنها جلوگیری نموده و سران آن خاندان را بقسطنطنیه و جزیره کوت تبعید کردند بهر حال امارت طبل خانه مدتی با طایفه مزبور بوده است و در جلوی امرای حرفوش موقع حرکت طبل های بزرگ نواخته علمهای قرمزی که دارای خط سبز بوده پیشاپیش میبردند

حرفوشیان یکدسته سپاهی مخصوص بنام خوابیه برای خود ترتیب داده بودند که مأموریت وصول مالیات با آنها بود ابنیه و عمارات مشهوره امراء حرفوش عبارتند از قصر امیر عمر حاکم بعلبک که در سال ۱۰۷۷ بنا شده است و مسجد المعز بعلبک که بدست امیر یونس حرفوشی تعمیر شده است و بسیاری از عمارات دیگر در اطراف بعلبک که تا کنون باقی و مشهور میباشد قلعه بیوه و قلعه قب الباس و حدث بعلبک و حصن القردوح و غیره از قلاع امراء حرفوش است

خاندان مزبور بزم جوئی و ظلم و جور اشتهار تام دارد
ادباء و دانشمندان بسیاری از این خاندان ظهور نموده که از آنجمله امیرموسی
حرفوشی است و شرح حال وی در کتاب لطف السمو تألیف نجم مغربی دمشقی
مذکور میباشد کتاب مزبور بعنوان ذیل کتاب الکواکب السائره فی اعیان
المائه العاشره تحریر یافته و جزء نسخ خطی کتابخانه عمومی دمشق معروف
بظاهریه موجود است

امیر موسی

Amir Moossa

امیر موسی بن علی بن موسی معروف باین حرفوش پس از قتل پدر بامارت
بعلبک نایل گردید امیر مزبور مانند پدران خود شخص شجاع یا سخاوت‌گریمی
بوده ولی بر خلاف آنها خاندان خود را بمذهب تسنن نزدیک نمود (حرفشیون
از امراء خزاعه هستند) وقایع امارت امیر موسی در تاریخ خاندان حرفوشی
مذکور و مشهور است صاحب کتاب امل الامل فی علماء جبل عامل اشعاری از
امیر موسی نقل مینماید

امیرموسی باشیخ محمد بن حسن بن زین الدین پدر شیخ علی صاحب کتاب الدر المنثور
و غیره مراسله داشته ویرا مدح کرده است وفات امیر بتاریخ ۱۰۱۶ هجری
در دمشق واقع شد و در قبرستان فرادیس در بقعه موسوم به قبه بنی الحرفوش
مدفون گردید

شارح کتاب الفاکهی محمد علی بن احمد حرفوشی عاملی دمشقی از این خاندان
میباشد مشار الیه از شعراء و علماء علم نحو و لغت بوده است وفاتش در سال
۱۰۵۹ هجرت واقع شد پسرش ابراهیم بن محمد بن علی نیز از مشاهیر ادباء
میباشد و در سال ۱۰۸۰ وفات نموده است شرح حال هر دوی آنها را ضمن حالات
رجال قرن ۱۱ هجری ذکر نموده ایم. (۱)

۲ - خاندان علی صغیر در جبل عامل

۱ - امیر اسعد خلیل

AmirAsaad-Khulil

از بزرگان خاندان علی صغیر متوطن جبل عامل از نواحی سوریه است پس از وی فاطمه از مشاهیر ادبای نسوان معاصر و پسرش امیر محمد ملك اسعد باقی ماند

۲ - امیر محمد بیگ اسعد فرزند امیر اسعد الخلیل

(از حالات این دو نفر فعلاً چیزی در دست نیست البته در تئمه کتاب ذکر خواهد شد)

۳ - امیر علی بیگ اسعد

AmirAli

بن امیر علی صغیر در زمان خویش بر خاندان علی صغیر ریاست داشته و از طرف دولت عثمانی در بلاد بشاره حکومت مینمود بحسن سیاست و سخاوت و عدالت اشتهار تام داشت محل اقامت وی قلعه تبین بوده که حاکم نشین بلاد بشاره محسوب میشود قلعه تبین در سال ۱۳۰۷ بعنوان سنگرو پناه گاه نواحی صور بنا شده است و در قطعه زمین مرتفعی واقع شده است که تا اندازه صعب العبور ولی دارای تاکستانهای بی شمار و بیشه و مزارع حاصلخیز است فرنگیان قلعه مزبور را که حصار مستحکمی بوده است طورون مینامیدند

در سال ۱۵۵۱ هونفردی از طرف بالدوین سوم در آن قلعه حکومت داشت در سنه ۱۱۸۷ میلادی مطابق ۵۸۳ هجری صلاح الدین ایوبی برادر زاده خود تقی الدین را به تبین فرستاد وی قلعه را متصرف شده فرنگیان را از آن محل خارج کرد در سال ۵۹۴ هجری قلعه تبین در تصرف ملك عادل بن صلاح الدین ایوبی بود فرنگیان قلعه را از هر سمت محاصره نموده و برای تصرف آن هجوم آوردند و از اطراف بداخل قلعه تئب ها زدند سکنه قلعه پس از مشاهده این وضعیت برای درخواست امان بار دو گاه فرنگیان آمدند ولی پاره از فرنگیان اهل

قلعه را تذکر دادند که در صورت تسلیم رئیس قشون کلیه آنها را اسیر و مقتول خواهد نمود اهالی به قلعه بازگشته و مردانه بدفاع پرداختند از طرفی هم ملک عادل از برادر خویش ملک عزیز فرمانفرمای مصر استمداد نموده بود ملک عزیز برای مساعدت برادر حرکت کرد تا اینکه به عسقلان رسید فرنگیان که در آن موقع پادشاه وقائیدی نداشتند پس از استحضار از حرکت ملک عزیز مضطرب شده و ملکه خود را برای پادشاه قبرص تزویج نمودند تا بدینوسیله از آنها حمایت کند پادشاه قبرص که شخص صلح طلبی بوده با ملک عادل صلح نمود و محاصره قلعه بر طرف شد از آن زمان تا مدت مدیدی قلعه در تصرف خاندان ایوبی باقی بود بالاخره امراء خاندان علی صغیر در آن نواحی حکومت یافتند و امیر علی بیك الاسعد فاطمه دختر امیر الاسعد را تزویج نموده به قلعه تبین انتقال نمود امیر علی از امراء معظم آن نواحی و اهمیت شایان داشته است گویند در موقع حرکت همیشه دویست نفر سوار باستثنای خدّام و فراشان و آشپزان و سایر ملازمان در رکاب وی بودند و در قلعه تبین محل مخصوص برای پذیرائی مهمانان تربیت داده بود که با انواع تجملات و تزیینات عصری آراسته و ممکن بود دو هزار میهمان در آنجا پذیرائی شود خدّام و ملازمان و گماشتگان امیر علی وظیفه و شوریه کافی دریافت میداشتند شعراء و ارباب حوائج از اطراف به نزد وی شتافته و مقضی المرام باز میگشتند دشمنان و بدخواهان در باره وی سیاست کرده دولت عثمانی را باحضار و محاسبه امیر علی وادار نمودند امیر مزبور مدت هشت ماه تمام تحت نظر دولت مشغول تسویه محاسبه و تفریح حساب بود تا آنکه زوجه اش سیده فاطمه کلیه دیون شوهر را پرداخت نمود و در اواخر سال ۱۲۸۱ هجری فرمان استخلاص امیر علی صادر شد و امیر مزبور در اوایل سال ۱۲۸۲ از محل توقیف خویش (قلعه دمشق شام) عازم مراجعت بوطن بود که اتفاقاً وبای مشهور بقولین در آن نواحی بروز نمود امیر علی مبتلا بویا شده پس از سه روز بیماری در گذشت اتفاقاً امیر محمد ملک الاسعد که همراه امیر علی بود نیز دچار وبا گردیده در همان هفته وفات نمود (۱)

(۱) الدر المنثور فی طبقات ربات الخدور تألیف زینب فوّاز ضبع مصر

۴ - امرای دولت مغول

- ۱ - شرف‌الدین هرون بن شمس‌الدین محمدجوینی
- ۲ - خواجه بهاء‌الدین محمد بن شمس‌الدین محمدجوینی
(بصفحه ۷۲ و ۷۳ از این جزء مراجعه شود)

ابن فخر اربلی

Ibn-Fakhr

شیخ بهاء‌الدین ابوالحسن علی بن عیسی فخرالدین ابوالفتح اربلی معروف بابن فخر شخص فاضل موثق محدث ادیبی بوده شیخ حرّ عامی مراتب فضیلت ویرا تقدیر نموده است ابن شاکر ابن فخر را از نویسندگان عالیقدر نام برده مینویسد وی کاتب اربل ابن صلیبا بود پس از آن به بغداد آمد و در ایام علاء‌الدین صاحب دیوان رئیس دیوان انشاء گردید در ایام حکومت یهودیان (مقصود تانار است) بازار ابن فخر کساد شد پس از آن مجدد سر کار آمده و تا موقع وفات (۶۹۲ هـ) مشغول بود ابن فخر علاوه بر فضایل و کمالات شخص محترم معرّزی بوده و از مذهب تشیع پیروی میکرد پدرش والی اربل بوده است بهاء‌الدین تصنیفات ادبی چندی تألیف نموده که کتاب مقامات اربع و رساله الطیف و غیره از آنجمله است پس از مرگ قریب دو میلیون درهم ترکه وی بوده است که پسرش ابوالفتح تمام آن را تلف نموده و در آخر عمر بفقر و فاقه مبتلا گردید باری ابن فخر از سید جلال‌الدین عبدالحمید بن فخر موسوی تحصیل اجازه نموده و از وی روایت میکرد وزیر علقمی و سید رضی‌الدین علی بن طاوس حسینی معاصر ابن فخر بوده اند پسرش شیخ تاج‌الدین و نواده او شیخ عیسی بن محمد بن علی اربلی از علماء مشهور و کتاب معروف کشف‌القمه تألیف ابن فخر را از وی روایت میکردند در تشیع ابن فخر هیچگونه شک و تردیدی نیست چنانکه خود در کتاب کشف‌القمه این مطلب را تصریح کرده است بعضی از شاگردان شیخ داماد وی را زیدی تصور نموده اند افتدی در ریاض‌العلماء این مطلب را متعّرض شده مینویسد کتاب دیگری بنام کشف‌القمه تألیف یکی از علمای زیدی در تبریز دیدم و تصور زیدی بودن ابن فخر ناشی از اتحاد اسم دو کتاب است

آثار ابن فخر

کتاب کشف القمه فی معرفة الائمة دو مجلد بزرگ مشتمل بر مناقب حضرت رسول اکرم حضرت رسول اکرم حضرت زهراء و ائمه اطهار شب بیست و یکم ماه رمضان (لیلة القدر) سنه ۶۸۷ از تحریر آن فراغت یافته است ابن فخر در کتاب کشف القمه مینویسد که بتاريخ ۶۷۰ هجری عین فرمان مأمون راجع بولایت عهد حضرت رضا و خط شریف امام علیه السلام را در ظهر ورقه عیناً زیارت نموده است و فرمان مزبور از طوس برای وی فرستاده شده بود و همچنین مینویسد در سنه ۶۷۷ عین مراسله جوابیه حضرت رضا علیه السلام بمأمون را بخط آنحضرت در واسط زیارت نمود بعضی ها علی بن عیسی اربلی را اشتباهاً وزیر یکی از آخرین خلفای عباس تصور نموده اند در صورتیکه شخص مزبور علی بن عیسی بن داود جراح وزیر المقتدر بالله خلیفه هیجدهم عباسی بوده است

افندی در ریاض العلماء مینویسد نسخه صحیح قدیمی کشف القمه را دیدم که مشتمل بر تعلیقات کفعمی و حواشی میرزا محمد طالقانی و اجازه شیخ علی کرکی به پاره از شاگردان بوده است نسخه مزبوره بخط سید حیدر بن محمد بن علی حسینی مورخه ۷۸۴ بوده است که سند نسخه خود را از نسخه استاد خویش شیخ علی کرکی و شیخ مزبور از نسخه خطی علامه مؤرخه ۷۰۶ و علامه از نسخه اصل مصنف استنساخ نموده بود

ابن فخر رسائل بسیار دیگری نیز تألیف نموده از آن جمله ... رساله العلیف المفامات الاربع و دیوان اشعاری دارد که قسمتی از آن در مدح ائمه است و در کشف القمه مذکور است (اربلی از توابع موصل و جزء بلاد عراق است) (۱)

ه - امرای دول غیر شیعی هندوستان

مقدمه

پس از استیلای افغانه و دستگیری شاه سلطان حسین صفوی عده از امرای دولت صفویه و شاهزادگان آن خاندان که جانی بودند بسمت هند فراری و متواری گشته و بسیاری در دربار سلاطین و ملوک هند مشغول خدمت شدند و بطوریکه در تواریخ مشهوره مذکور است اساس حکومت تیموریان بآبری

(۱) فوات الوفیات ۸۲ ج ۲ و ریاض العلماء افندی و غیره

امرای معاصر اکبر شاه هندی - بهرام خان - شاه فتح الله (۱۶۷)

هندی بدست امرای شیعه ایرانی تأسیس و تشکیل یافت. همینقسم در ایام شاه جهانشاه عده از امرای ایران از بیم آزار شاه صفی صفوی بخدمت سلاطین هند پیوستند چه که شاه صفی فرمان قتل کلیه امراء شاه عباس را صادر نموده بود ولی شاه جهانشاه امراء فراری را بانهایت اکرام پذیرفته بمنصب عالیہ گماشت اینک شرح حال مشاهیر امراء شیعه ایرانی مقیم هند را که بملازمت پادشاه تیموری هند و غیره اشتغال داشته مختصراً مینکاریم و نظر باینکه غالب حالات آنها از کتابهای تاریخی که در هندوستان طبع شده است موقعیکه مؤلف در نجف از عراق عرب بوده نقل کرده و فعلاً در دست نیامده است که نمره صفحه و تاریخ طبع گذاشته شود لذا فقط بذکر اسم کتاب اشتغاف شده است

(۱) امراء معاصر اکبر شاه هندی

۱ - بهرام خان

Behram

بداونی مینویسد بهرام خان شخصی باذکاوت دانشمند عاقلی بوده است ابتداء بملازمت شاه بابر اشتغال داشت بسیاری از بلاد را برای وی فتح نمود بجان خانان ملقب گشت علماء و دانشمندان قصد خدمتش را نموده مورد بوازش واقع میشدند بهرام خان شعر نیکو میگفته و قصیده درمدح حضرت امیر سروده که این بیت از اوست

بھی کہ بگذرد از نہ سپهر افسر او اگر غلام علی نیست خاک بر سراو (۱)

۲ - عبدالرحیم بن بهرام خان

Abdol - Rahim

در ادبیات و سیاست قرین پدر بود پاره از بلاد دکن را فتح کرد شعر نیکو میگفت از اوست
گر بدل بردنت فتد سرو کار همه اعضای من دل ارد بار (۲)

۳ - شاه فتح الله شیرازی

Shah Fathollah

بدوانی مینویسد شاه فتح الله در علوم الهی و طبیعیات و ریاضیات و طلسم و نیرنگ مهارت تام داشت در سال ۹۰۹ از عادل خان دکن اجازه گرفته بسمت فتح پور رفت و مورد اکرام واقع شد خان خانان و حکیم ابوالفتح مقدمش را گرامی داشته منصب صدارت و امارت پاره بلاد را بوی تفویض کردند سپس عده بر وی حسد برده بحیلہ مقتولش نمودند (۳)

(۱) تاریخ بداونی و تاریخ قطبشاهی (۲) حقیقة العالم (۳) بداونی

۴ - ۵ نوروز میرزا و میرزا رستم صفویان

Novrous Mirza - M. Rustam

در زمان شاه طهماسب صفوی امارت قندهار را عهده دار بودند پس از مرگ شاه طهماسب پسرش شاه اسمعیل ثانی فرمان قتل تمام امرای صفوی را صادر کرد این دو نفر نیز مانند سایرین به هند فرار نموده و بمناصب مهمه اشتغال یافتند (۱)

(ب) امراء معاصر جهانگیر شاه

۶ - میرخلیل یزدی

Mir Khalil

میرخلیل یزدی فرزند غیاث الدین محمد میرمیران از احفاد شاه نعمه الله ولی است که خاندان وی در خراسان و عراق عجم و بفضل و کمال و قبول عامه اشتهار تام دارند مشارالیه در سال دوم سلطنت جهانگیر وارد هند شده و در نزد وی تقرب یافته بمناصب عالیہ نایل شد (۲)

۷ - میرمیران بن میرخلیل یزدی

Mir Miran

در سال نهم جلوس جهانگیر شاه وارد هند شده و از طرف وی بسرکردگی ده هزار قشون معین شد (۳)

۸ - احسن الله ظفر خان

Ahssanallah

از مشاهیر علماء و امراء بوده در زمان جهانگیر شاه حکومت کابل با وی بود و در زمان شاه جهان بامارت کشمیر نایل شد سپس فتح کرد وفات نمود (۴)

(ج) معاصر امراء جهان شاه

(۹) خواجه عابد قلیچ خان علی آبادی سمرقندی

Ahed Ghlich Khan

خواجه عابد در علی آباد از توابع سمرقند متولد شده است نزد پدر و علماء سمرقند به تحصیل علم فقه پرداخت سپس به بخارا رفته به رتبه قضاوت نایل شد و بمقام

شیخ الاسلامی ارتقاء یافت از بخارا به هندوستان رفته و در اواخر سلطنت شاه جهان بمنصب عالیہ دولتی منصوب گردید در سال ۱۰۸۵ امارت حاج یافته و بمکه مشرف شد در سنه ۱۰۹۰ به لقب قلیچ خانی ملقب گشت و در سنه ۱۰۹۲ بمنصب رفیع صدارت رسید در سنه ۱۰۹۶ بحکومت صوبداریه ظفرآباد معین شد و در سنه ۱۰۹۸ هنگام محاصره قلعه کولکنده بوی رسیده و در گذشت مدفنش در حوالی حیدرآباد واقع است (۱)

۱۰ - نواب قلیخان

Gholi Khan

سالار جنک بن خاندان قلیخان بن نوروز قلیخان بن درگاه قلیخان بن خاندان قلیخان از اترک بربر اطراف مشهد رضوی است خاندان قلی خان جد سالار جنک در ایام شاه صفی حاکم قندهار بود و با علیمردان خان به هند مهاجرت کرد شاه جهان ویرا اکرام و نوازش نمود پس از مرگ خان قلی خان علیمردان خان پسرش درگاه قلیخان را مورد توجه قرار داده پیاره مشاغل مهمه گماشت بعد از وفات علیمردان خان درگاه قلی خان بخدمت اورنگ زیب شافت و باوی به دکن رفت و مجدد به هند مراجعت کرد بعد از وی پسرش نوروز قلی خان بامارت قسمتی از نواحی بیچاپور معین شد پس از مرگ او پسرش خاندان ابن قلیخان جزء امراء دربار آصف جاه تربیت یافته از امرای مقرب وی گردید تا آنکه در نظام آباد بتاریخ ۱۱۹۰ هجری وفات نمود سالار جنک امیر دانشمند ادیبی بوده در علم انشاء و تاریخ اطلاع کامل داشت پسران وی امام قلیخان و وحی قلی خان از امرای آصفجاه ثانی محسوب میشوند (۲)

۱۱ - میر محمد سعید

Mir Mohamed

میر جله ملقب به منظم خان خانان سپه سالار اصلاً از سادات اردستان بوده در ایام سلطان عبدالله قطبشاه به کولکنده وارد شده از طرف وی نوازش یافت و بمنصب مهمه معین گشت تدریجاً اموال و املاک فراوانی تحصیل کرد بقسمیکه

(۱۷۰) امرای معاصر جهان شاه - نواب علیمراد خان - آصف خان

پنج هزار سوار برای ملازمت خویش ترتیب داد سلطان عبدالله از وی رنجیده تمام اموالش را مصادره گردید محمد سعید بملازمت شاه جهان شتافته و نزد وی تقرب یافته بالاخره در دوم رمضان ۱۰۷۳ وفات کرد (۱)

۱۲ - نواب علیمراد خان

Ali Morad Khan

در زمان شاه عباس صفوی حکومت قندهار با وی بود پس از مرگ شاه عباس پسرش شاه صفی در صدد دستگیری علیمراد خان بر آمد مشار الیه قندهار را بامراء شاه جهان واگذار نموده بکابل نزد شاه شجاع رفت و مورد اکرام بی نهایت واقع شده از طرف وی مخلص گردید و هدایای بسیار دریافت داشت شاه جهان بزرگترین نشانهای سرداران خود را به علیمراد خان اعطاء کرد وی به لاهور نزد شاه جهان شتافته و از طرف شاه بحکومت پنجاب و کشمیر و کابل معین گشت (۲)

۱۳ - آصف خان

Assef Khan

برادر نور جهان بیگم نزد شاه جهان تقرب تام داشت شاه ویرا عمو و وکیل مطلق خطاب میکرد (۳)

۱۴ - شایسته خان بن آصف خان حکومت آله آباد با وی بود (۴)

Shayesteh Khan

۱۵ - اسلام خان بن آصف خان حاکم بنگاله بوده است

Islam Khan

۱۶ - سیادت خان بن آصف خان

Seyadat Khan

۱۷ - میرزا حسین صفوی پسر میرزا رستم

Mirza Hossein

۱۸ - کرم الله بن علیمراد خان

Karamallah

۱۹ - زبردست خان Zabar Dast Khan

۲۰ - مراد کام صفوی Morad Kam

۲۱ - موسی خان Moussa Khan

(د) ارای معاصر عالمگیر شاه محمد اورنگ زیب

۲۲ - سپهسالار ذوالفقار خان

Sepah Salar Zol-Faghar

از امرای نامی عالمگیر بوده است گویند عالمگیر وقتی بوی نامه نگاشت که مفهوم آن عبارات ذیل میباشد: یا ناصر انصر من لا ناصر له « به وجود و سخاوت معروف است ناصر شاعر مشهور در مدح وی قصیده گفته که مطلعش این بیت است

ای شان حیدری ز جین تو آشکار نام تو در نبرد کند کار ذوالفقار

ذوالفقار خان پانصد هزار روبیه بشاعر مذکور صله داد (۱)

۲۳ - خلیل الله خان Khalilolah Khan

۲۴ - روح الله خان امیر لامراء Rouhollah Khan

۲۵ - موسی خان Moussa Khan

۲۶ - امیر خان Emir Khan

۲۷ - جعفر خان و غیره (۲) Djaffar Khan

۲۸ - سید علی خان صاحب شلافه وزیر عالمگیر شاه

Seyed Ali Khan

سید صدرالدین علیخان مدنی هندی فرزند میرنظام الدین احمد بن محمد معصوم بن احمد نظام الدین بن ابراهیم بن سلام الله بن عماد الدین مسعود بن صدر الدین محمد بن امیر غیاث الدین منصور بن امیر صدر الدین محمد شیرازی دشتی بطوریکه در کتاب سلوة الغریب (۳) سید علیخان ذکر نموده نسبتش به زید بن علی بن الحسین

منتهی شود در سال ۱۰۵۲ در مدینه طیبه متولد شده و در شیراز بتاريخ ۱۱۱۷ وفات نمود (بقول افندی در سال ۱۱۱۸)

از نویسندگان و علمای نامی زبان عربی بوده است تالیفات بسیار نمود که اکثرش مورد استفاده عمومی است بطوریکه سابقاً اشاره شد در مدینه طیبه یا مکه مکرمه متولد شد پدرش امیر نظام الدین از مکه به دکن مهاجرت نمود و دختر عبد الله قطبشاه را تزویج کرد

سید علی خان در مکه نشو و نمو یافته در سنه ۱۰۶۸ بحیدر آباد وارد شده بایدر خویش ملاقات کرد همینکه ابوالحسن قطبشاه بر آن نواحی استیلا یافت از والد سید علی خان رنجیده ویرا محبوس ساخت و تمام اموالش را مصادره کرد در اینموقع سید علی خان از دکن فرار نموده بخدمت عالمگیر شاه شتافت و در زمرة مقربان او درآمد و از طرف عالمگیر بسمت امارت و نگهبانی اورنگ آباد تعیین شد سپس از حکومت آن محل استعفا داده و از عالمگیر حکومت برهان پور را تقاضا کرد چندی در آنجا بسر برده با اجازه عالمگیر شاه زیارت حرمین شریفین عازم شد و پس از مراجعت به تشریف اعتاب مقدسه ائمه عراق و مشهد رضوی مسافرت نمود بالاخره بخدمت شاه سلطان حسین صفوی پیوست ولی از وی حسن استقبالی ندیده بشیراز مراجعت کرد و در مدرسه منصوریه تا موقع وفات ۱۱۱۷ به افادت و استفادت علوم اشتغال داشت افندی در کتاب ریاض العلماء و ضامن بن شدقم در کتاب تحفة الازهار و مؤلف کتاب حدیقه العالم ضمن حالات ملوک قطبشاهی شرح احوالات سید علی خان را مذکور داشته اند و بطوریکه خود سید در کتاب سلوة الغریب مینویسد اوّل کسیکه از اجداد سید علی خان به شیراز مهاجرت نموده است ابو سعید نصیبین میباشد و اوّل کسیکه از اجداد وی به مکه مهاجرت نمود سید معصوم است و قبل از سید معصوم امیر نصیرالدین حسین عمو و داماد سید معصوم به مکه مهاجرت کرده است نصیرالدین مزبور شخص عالم دانشمندی بوده است و نزد شیخ جعفر بن کمال الدین بحرانی تلمذ نموده وفاتش بمرض طاعون در سال ۱۰۲۳ واقع شد

آثار سید علی خان

- ۱ - کتاب شرح صحیفه کامله سجاده موسوم به ریاض السالکین فی شرح صحیفه سیدالساّجدين در ابتدای هر دعائی خطبه و دیباجه ظریفی ذکر نموده سپس اقوال مختلفه شارحین را بطور اکمل نقل مینماید کتاب مزبور بنام شاه سلطان حسین تألیف یافته و در طهران طبع شده است تألیف و تنظیم آن بهترین دلیلی بر کثرت اطلاعات و ارجندی مقام سید در علوم مختلفه میباشد
- ۲ - طراز اللغه که بطرز کتاب لسان العرب ابن منظور افریقائی تألیف یافته است کتاب مزبور بحرف صاد و فصل قاف در ضمن شرح کلمه قص منتهی میشود از مندرجات طراز اللغه میتوان مقامات عالیه سید را در علم لغت و تفسیر و ادبیات زبان عربی درک نمود در حسن اسلوب و ایجاز عبارات یکی از بهترین کتب لغت محسوب میشود و در نظر داریم که پس از تکمیل کتاب آثار الشیعه باتمام آن پردازیم یک نسخه از کتاب طراز که بحرف راء ختم میشود در نجف موجود است و نسخه تمام آن (تا حرف صاد) در کتابخانه عاطف پاشا در اسلامبول و کتابخانه سلطنتی طهران موجود میباشد و بطوریکه بعضی از مطلعین نقل میکنند کتاب مزبور بوسیله چاپ سنگی در هندوستان طبع شده است یک نسخه از کتاب مذکور در کتابخانه مدرسه ناصری تهران موجود است و نسخه دیگری در کتابخانه مدرسه صدر طهران ملاحظه شد نسخه مزبور در مجلد بزرگی است که تقریباً بالغ بر هشتصد صفحه میشود اول آن از باب الراء بدین عبارت شروع میشود (باب الراء من الطراز الاول فصل الهمزه ابر النخل) و بشرح کلمه عبّس و عبّوس خاتمه میباشد
- ۳ - کتاب الکلم الطیب والغيث الصیب در ادعیه ماثوره از حضرت ختمی مرتبت نا تمام است
- ۴ - شرح ارشاد در نحو
- ۵ - شرح کبیر بر صمدیه در نحو موسوم به جدایق الندیه فی شرح فواید الصمدیه در ایران طبع شده است
- ۶ - شرح دیگر بر صمدیه

- ۷ - رساله مختصر در اغلاط صاحب قاموس
- ۸ - انوار الربیع فی شرح البدیع بعقیده مؤلف کتاب مزبور جامعترین شرحی است که بر بدیعیات نوشته اند در ایران بطبع رسیده است
- ۹ - سلافة العصر فی اعیان العصر در مصر طبع شده است
- ۱۹ - نظم الصدیق والصدیقه راجع بآداب دوستی
- ۱۱ - نفثة المصدر در منظوم و منشور
- ۱۲ - کتاب الدرجات الرفیعه فی طبقات الشیعه دو مجلد از آن کتاب در دست است جلد اول راجع بشرح حال ۷۹ نفر از صحابه بنی هاشم و غیره جلد دوم در شرح حال طبقه چهارم از طبقات شیعه امامیه از محدثین و مفسرین مشتمل بر دو باب باب اول در علماء بنی هاشم و آن مشتمل است بر ۳۸ نفر که اول آنها سید محمد طبری مرعشی است سپس بشرح حالات رجال طبقه یازدهم که (طبقه شعراء) پرداخته شش نفر از شعراء را که اولشان نابغه الجعدی و آخرشان کثیر عزه است ذکر مینماید هر دو مجلد در کتابخانه شیخ علی آل کاشف العطاء در نجف و کتابخانه سید صدر در کاظمین موجود است
- ۱۳ - کتاب سلوة الغریب شرح سفر نامه سید علیخان به هند حاوی فوائد تاریخی و ادبی نسخه از کتاب مزبور را در کتابخانه خونساری در نجف ملاحظه نموده و پاره نوادراز آن کتاب نفیس در آثار الشیعه نقل نموده ایم.
- مرحوم سید علی خان کتابخانه نفیس عالی برای خود ترتیب داده بود که از جمله کتب ثمینه عالیه آن کتابخانه نسخه از کتاب فقه الرضا بخط کوفی که بر حسب اظهار افندی در سال ۲۹۹ هجری به خط مبارک حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام تحریر یافته است اخبارات پاره از علماء و خط آنها در پشت کتاب مزبور مندرج و بر قدر و قیمت کتاب افزوده است نسخه آن کتاب در کتابخانه طائف مکه موجود بوده است از قرار مذکور حضرت ثامن الائمه کتاب فوق الذکر را بر حسب تمناى احمد مسکین بن جعفر بن محمد بن زیدالشهید جد سید علیخان تألیف و تحریر فرموده اند
- بهر حال مرحوم سید علی خان دیوان مراسلات منظوم و منشوری داشته است

که نسخه از آن نزد شیخ علی آل کاشف الغطاء در نجف و نسخه دیگری در کتابخانه آل سید عیسی العطار در بغداد موجود میباشد دیوان مزبور از مراسلات و مراجعات سید با برادر خویش سید محمد یحیی در سال ۱۰۷۸ و سید حسین بن علی بن شدقم در سال ۱۰۸۱ و ۱۰۹۲ و سید عماد بن برکات الحسینی و استاد خود محمد بن علی الشامی و جمال الدین محمد بن عبدالله نجفی و جواب سید علی بن محمد کربلائی در سال ۱۰۹۴ و جواب سید حسین بن شرف الدین نجفی در سال ۱۰۹۶ تدوین و تنظیم یافته است

اشعار بسیاری از سید در کتاب سلافة العصر و انوار الربیع و غیره مذکور است من جمله قصیده خمربه مشتمل بر اشعار بدیعه که بیت ذیل از آن قصیده است

يَأْسُحِبَّ نَيْسَانَ رَوِّيَ الْكَرَمَ مِنْ كَرَمٍ فَفِي الْجُبَابِ غَنِيٌّ عَنِ لَوْلُو الصَّدْفِ (۱)

۲۹ مبارز خان عماد الملک

Mobarez Khan

صاحب مآثر الامراء مینویسد که اسم مبارز خان خواجه محمد بوده است اصلا از بلخ و در ایام طفولیت بکجرات مهاجرت کرده و آنجا متوطن شد در آن موقع شاه دولت معروف به درویش صاحب در کجرات استیلاء داشت مشارالیه مبارز خان را نوازش نموده خرقه درویش بوی اعطا نمود و جزو امرای خویش قرار داد و بالاخره نزد پسرش محمد کام بخش تقرب یافت در سال ۱۱۱۹ بسمت سرکردگی قشون بیچاپور معین شد پس از مرگ درویش صاحب با حمد آباد رفت رفت و مجدد به کجرات برگشته خزائن درویش صاحب را متصرف شد و از آن موقع نام وی در تمام هندوستان منتشر گشت آثار نیکوئی در حیدرآباد از وی باقیست که از آنجمله حصار اطراف حیدرآباد میباشد حصار مزبور بواسطه قتل وی ناتمام ماند و بدست اصفجاه نظام الملک خاتمه یافت عماد الملک در موقع محاربه اصف جاه با امرای معاصر خود بناریخ ۲۲ محرم ۱۱۳۷ هجری در نزدیکی قصبه شکرکهره مقتول شد (۲)

(۱) از کتاب سلوة الغریب و کتاب ریاض العلماء و کتاب تحفة الازهار که هر سه خطی است و کتاب حدیقة العالم طبع هندوستان و کتاب سلافة العصر طبع مصر و غیره نقل شده است (۲) از کتاب حدیقة العالم